



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۱۲/۱۷



دوکتور نوراحمد خالدی

تکامل زبان دری/فارسی/تاجیکی در منطقه

در این مختصر تکامل تاریخی زبان دری/فارسی/تاجیکی بررسی میشود:

اول- زبانی را که در افغانستان دری، در ایران فارسی و در تاجیکستان تاجیکی مینامند همه ریشه مشترک داشته و زادگاه آن باختر (بکتیریا) بخصوص شمال افغانستان در بغلان، تخار و بلخ باستان است. این زبان، به موجب کشفیات باستان شناسی (کتیبه های سرخ کوتل، رباطک و یکاولنگ) زبان مردم این منطقه در عصر کوشانیها (60م تا 375م) بوده که قسماً همزمان میباشد با استیلای اشکانیان یا پارتیها بالای فارس؛

دوم- زبان مردم فارس در عصر تهاجم یونانیها به زعامت اسکندر مقدونی به فارس، یا زمان حاکمیت هخامنشیان، زبان ایلامی بود و این زبان هیچ ارتباطی با زبان مردم باختر در عصر شاهان یونانو-باختری و متعاقب آن شاهان کوشانی، یفتلی نداشته است؛

سوم- پارتیها یا اشکانیان که مکان اصلی آنها سرزمین پرته نام داشت، که معادل ترکمنستان امروزی است، به مدت 477 سال (238ق.م تا 226م) بعد از سلوکیهامپراتوری بزرگی را در فارس ایجاد کردند و قلمرو حکومت شان از بین النهرین تا کوههای هندوکش امتداد داشته است. فارسها در سرزمین خود بر آنان شوریدند و خود نیز وحدت و همدلی را از دست دادند و در نهایت اردشیر بابکان چیره شد و تمام تمدن اشکانیان به آتش کشیده و نابود گردید. در نزدیک به پنج قرن حکومت اشکانیان در فارس زبان پهلوانی (پهلوی) با خط آرامی مروج بود و دین زردشتی به عنوان دین رسمی مورد احترام بود و در دوران آنها کتاب اوستا نوشته شد؛

چهارم- اصطلاحات فارسی قدیم (عهد هخامنشیان)، فارسی میانه (عهد ساسانیان) و فارسی جدید (دو صد سال بعد از معرفی اسلام در فارس) بنیاد علمی و تاریخی نداشته توسط ملی گرایان فارسیست برای نشان دادن تداوم زبان فارسی امروزه در ایران با سابقه تاریخ آن کشور جعل شده اند. در حقیقت زبان عصر هخامنشی ایلامی بود، زبان عصر اشکانیان پهلوانی (آرامی) و زبان عصر ساسانی نیز پهلوی بوده است؛

پنجم- پارسیک زبان مؤبدان زرتشتی بود که با هجوم اشکانیان زرتشتی خراسانی به فارس برده شد که ریشه در زبان دری مردمان باختر عصر یونانو-باختری و کوشانی دارد؛

ششم- برای عربها سرزمینهای جانب مشرق عربستان، فارس، مردم آن عجم و زبان آنها نیز طبیعتاً 'فارسی' بود. اما وقتی لشکریان عرب فارس را فتح کردند و به خراسان رسیده شهر مرو را که در دلتای دریای مرغاب قرار دارد مرکز اداری فتوحات شرقی خود قرار دادند تأیید کردند که زبان مردم خراسان دری بوده و از زبان مردم فارس که در آن زمان پهلوی بود متفاوت است؛

هفتم- در قرون اول اسلامی زبان دری در ماورالنهر (بخارا، سمرقند) خراسان (مرو، نیشاپور، هرات) و سیستان به مقام زبان اکثریت مردم رسیده بود تا جاییکه در عصر امارت طاهریان هرات (۲۵۶-۲۰۶ق) رسم الخط عربی برای مکاتبات پذیرفته شد، و شاعرانی به پختگی رودکی سمرقندی (۳۲۹-۲۴۴ق) را در آغوش خود پرورده در عصر صفاریان (یعقوب لیث: ۲۴۷-۲۶۴ق) و متعاقب آنها سامانیان (۳۸۹-۲۴۲ق) و بخصوص در عصر غزنویان (۳۵۱ - ۵۸۲ق) به مثابه زبان دیوان شعر و فرهنگ به زبان افهام و تفهیم بین مردمانیکه زبانهای مادری متفاوتی داشتند مبدل گردیده بر سائر زبانهای منطقه غلبه یافت؛

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

هشتم- زبان دری با دربار و دیوان شاهان سلجوقی ترک‌تبار (۵۹۰-۴۲۹ق) از ماورالنهر به فارس رفته اصفهان را مرکز اداری خود قرار دادند. در این زمان مردم فارس که در چهار قرن حاکمیت اعراب مسلمان زبان پهلوی شان به عنوان زبان گیر مورد تاخت و تاز اعراب بود، با آغوش باز زبان دری مردم خراسان را پذیرفتند. گسترش زبان دری در فارس طوری سریع بود تا جاییکه یک قرن بعد شاعری به پختگی سعدی شیرازی که اصلاً زبان مادری اش پهلوی بود ظهور کرد که کتاب های گلستان و بوستان او به عنوان کتب درسی زبان دری، که در این زمان آنرا در فارس فارسی مینامیدند، در مدرسه های تمام سرزمینهای حاکمیت ترک‌تبارها (تیموریها، بابرهای، ایلخانان، صفویان، افشاریها، زندیان، قاجاریها) و پشتونها (سلطنتهای دهلی، سوریها، لودیها، هوتکیها، ابدالیان، سدوزائیان بارکزائیان و محمد زاییان) به مردم درس داده میشد که یکی از عوامل گسترش زبان دری/فارسی محسوب میگردد؛

نهم- قابل توجه است که برای نزدیک به نهصد سال شاهان ترک‌تبار و پشتون تبار بدون تبعیض زبانی و برتری طلبی زبانی به ترویج زبان دری/فارسی در قلمروهای تحت حاکمیت خود پرداخته و این زبان را به حیث زبان دیوانی و دربار مورد استفاده قرار داده اند در حالیکه زبان مادری خود شان ترکی و یا پشتو بوده است. این امر نه بخاطر برتری زبان دری/فارسی، بلکه بخاطر تقسیم عملکرد منطقی زبانها بوده است. بطور مثال زبان ترکی زبان اردو، سپاه و قشون بوده، زبان عربی زبان دین، کلام، فلسفه و علم و زبان فارسی/دری زبان دیوان و دفتر و مکاتبات اداری کشوری و شعر و ادب. البیرونی کتابی نوشت در مورد خواص گیاهان به عربی و در مقدمه آن نوشت این کتاب را با زبان ترکی که زبان مادری من است و یا بازبان دری نمی‌توانستم بنویسم بلکه مجبور شدم به عربی بنویسم! حتی امروز تمام نامهای اعضای بدن در علم طبابت به زبان عربی بیان می‌شوند چون معادل دری/فارسی برای آنها موجود نیست؛

دهم- متأسفانه این برخورد بدون تبعیض و بدون برتری جویی در برابر زبان دری/فارسی بعد از به قدرت رسیدن فارسیست‌ها (رضاً شاه) در فارس ۱۳۰۴ هجری شمسی تبدیل به سیاست غلبه و تفوق طلبی فارسی در ایران گردید که سائر زبانهای مردم ایران را مورد هجوم قرار داده هیچ امکان تکامل ندادند که این سیاست تا امروز ادامه دارد. همچنان در افغانستان برخورد تاریخی بدون تبعیض زبانی و بدون برتری جویی زبانی دری/فارسی حکومت با به قدرت رسیدن گروههای فارسیستی شورای نظاری در سال 2001 میلادی تغییر یافته، به پیروی از برتری طلبان فارسیست ایران بزرگ، با یک هجوم فرهنگی گسترده به ترویج زبان و مصطلحات مروج در ایران در افغانستان پرداخته گرایشهای پشتون ستیزی و دری ستیزی را در سرلوحه برنامه های ایدولوژیک خود قرار دادند.

به قلم دوکتور نوراحمد خالدي
برزين، استراليا، 16 دسمبر 2023